

سیر تاریخی تفسیر آیه قبله

(با تکیه بر دیدگاه یوسف القرباغی در قرن دهم قمری)

لیلا افسری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵، صفحه ۱۳ تا ۲۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

یکی از آیات بحث برانگیز و پرحاشیه قرآنی، آیه ۱۴۴ سوره بقره معروف به آیه قبله است که از تغییر جهت قبله نماز در مدینه به وسیله پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌گردد و با گسترش اسلام در شرق و غرب جهان و در قرون بعدی به علوم تفسیر، تاریخ، جغرافیا، نجوم، ریاضی، فقه، کلام و حتی فلسفه و عرفان نیز وارد می‌شود. سیر تاریخی گسترش این آیه نیاز به تحقیقی جداگانه دارد اما در قرن دهم قمری اندیشمندی مسلمان به نام یوسف القرباغی یک برگ از تاریخ تفسیر این آیه را رقم زده است و برای تحقیق درباره سمت قبله در بلاد ماوراءالنهر به تفسیر این آیه پرداخته است. در این مقاله با روش تحلیل منطقی اسناد دست اول و پژوهش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع خطی، یک دیدگاه مربوط به قرن دهم و در جغرافیای ماوراءالنهر بررسی شده است. این مطلب نشان می‌دهد که آیات قرآنی چون موجودی زنده در فرهنگ و تاریخ به حیات خود ادامه داده‌اند و به دلایل خاصی و با شیوه‌هایی علمی در اندیشه و زندگی مسلمانان تأثیرگذار بوده‌اند چنانکه به پیشرفت علوم و دانش‌های متفاوت در تمدن اسلامی یاری رسانده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جهت قبله، آیه قبله، ماوراءالنهر، عصر صفوی، یوسف القرباغی.

^۱ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران: afsare12345@gmail.com

۱- درآمد

در روایات تاریخی، در هفدهمین ماه هجرت پیامبر اکرم (ص) در روز دوشنبه نیمه ماه رجب سال دوم هجرت، این آیه: «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» در سوره بقره آیه ۱۴۴ نازل گردید در حالتی که آن پیامبر خدا مدت سیزده سال در مکه و در مدینه به سوی بیت المقدس نماز گزارده بود. اغلب دلیل این تغییر قبله را طعنه و کارشکنی یهودیان در راه گسترش اسلام دانسته‌اند چرا که بیت المقدس قبله آنان بود و این امر اسلام را به عنوان یک آیین مستقل تهدید می‌کرد و این تغییر قبله را در علوم قرآنی از باب ناسخ و منسوخ هم قرار داده‌اند که فرمان الهی تغییر یافته است. در چند آیه خداوند از نگرانی پیامبر خود و درخواست قلبی او برای تغییر قبله و همچنین طعنه‌های مخالفان اسلام خبر می‌دهد. این آیات به طور کامل ماجرا را شرح داده است و مفسرانی آن را از جمله ناسخ و منسوخ هم با دلایل خود خارج دانسته‌اند و بحث‌های مفصلی در این باره انجام شده است.

ماجرای تغییر قبله در دو دسته از کتاب‌های اسلامی مورد بحث قرار گرفته است یکی در تفسیرهای قرآنی که به مناسبت این آیات در سوره بقره به نگاه تفسیری اکتفا کرده‌اند و دیگری در کتاب‌های تاریخ اسلام که درباره حوادث مدینه در سال‌های نخست ورود اسلام به این مطلب از دیدگاه ماجراهای صدر اسلام پرداخته‌اند. برخی نوشته‌اند در ماه شعبان سال دوم هجرت در مسجد بنی سلمه این واقعه رخ داده است و پیامبر اکرم (ص) در حال خواندن نماز ظهر بوده است که این آیه در بین نماز نازل شده و قبله تغییر یافته است و به همین جهت آن مسجد را ذوقبلتین خوانده‌اند. (ر.ک: حسینی شاه عبدالعظیمی: ۲۷۹/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۹۹).

حرکت تاریخی آیات قرآنی و تفسیر و برداشت‌های جدید از آن‌ها همواره در تاریخ اسلام قابل تأمل و اندیشه بوده است. آیه قبله نیز در زندگی مسلمانان حضوری همیشگی داشته است و بررسی این تاریخ نیاز به پژوهشی مفصل دارد. نخستین گام در این مسیر، حرکت رسول خدا (ص) برای پاکسازی خانه کعبه است که در این مرحله بت‌ها را از آن می‌زداید و حریم آن را پاک می‌سازد که در گام بعدی با احترام و مقدس سازی این خانه ادامه می‌یابد. از همان ابتدای فتح مکه، ایشان این خانه را مکان امن اعلام می‌کنند و اهمیت آن را در اندیشه اسلامی خاطرنشان می‌سازند. از طرفی سرزنش‌های یهودیان به مسلمانان درباره اینکه دین جدید پیدا نشده است چرا که به همان قبله آن‌ها اقتدا می‌گردد، زمینه لازم جهت تغییر قبله را فراهم می‌سازد و در مرحله بعد با نزول آیه قبله به درخواست قبلی آن رسول گرامی و نیازهای جامعه مسلمانان و پاسخگویی قاطع به یهودیان جامعه عمل پوشیده می‌شود و به طور رسمی سمت قبله به سوی خانه کعبه برمی‌گردد. این آیه در دل خود

مسلمانان را در سراسر جهان تشویق می‌کند که رو به سوی کعبه نمایند و این امر برای مردی که در شرق و غرب جهان پراکنده بودند نوعی پژوهش علمی را به دنبال می‌آورد. دعوت خداوند برای پیدا کردن سمت قبله باعث می‌گردد که مسلمانان برخورد واجب بدانند که در بحث‌های علمی و تخصصی مربوط به قبله وارد شوند و نجوم و هندسه و ریاضی در این میان نوعی احترام پیدا می‌کند و در ضمن درس‌ها و علوم اسلامی وارد می‌گردند چرا که تعیین قبله و اوقات نماز و احکام دیگر نیاز به محاسباتی پیدا می‌کند که مقدمه ضروری آن‌ها احاطه علمی در رشته‌های مختلفی دارد. همین امر تاریخ تفسیر آیه قبله را رقم می‌زند و محققان و مفسران در سراسر جهان اسلام به دنبال تفسیر دقیق‌تری از این آیه رفته‌اند و در عمل نیز مسیریابی را دنبال کرده‌اند. جنبه علمی تفسیر آیه در علوم دیگر نیز ادامه می‌یابد و از جهت اجتماعی نیز قبله عامل وحدت و همسویی مسلمانان در جهتی واحد می‌شود و مسلمانان را در یک مسیری قرار می‌دهد که در بخش فکری و عملی کارآیی‌های مفیدی پیدا می‌کند.

۲- پیشینه تحقیق

آیه قبله را مورخان تاریخ اسلام از جنبه تاریخی و چگونگی تغییر قبله از بیت المقدس به خانه کعبه دنبال کرده‌اند و به سیر تفسیر این آیه کمتر توجه داشته‌اند. ماجرای تغییر قبله در کتاب ارمغان عزت (پیامبر و تغییر قبله) از حسنعلی محمودی در سال ۱۳۸۵ ش. از طرف مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما منتشر شده است. مقاله‌های مفیدی نیز بر اساس همین آیه نوشته شده است مانند: «تعیین جهت قبله با استفاده از خورشید» از کاظم نفیسی و احمد کیاست پور، در مجله مطالعات اسلامی، سال ۱۳۸۳؛ شماره ۶۴ که نگاهی دیگر به این آیه را در بر دارد همچنین مقاله «حدیثی معمایی در باب قبله در الکافی کلینی» از مایکل کوک و سید حسن اسلامی، در نشریه علوم حدیث سال ۱۳۸۸، شماره ۵۱ که از دیدگاه روایی به آیه می‌پردازد. مقاله «بنای مسجد مدینه و تعیین قبله آن به دستور پیامبر اکرم (ص) از حسن حسن زاده آملی، در نشریه مسجد، سال ۱۳۸۰، شماره ۴۹ از مواردی است که معجزه رسول خدا را در تعیین سمت قبله نشان می‌دهد. مقاله «بررسی و تحلیل تغییر قبله» از مهدی خسرو نژاد، در دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۹۶ نگاهی دیگر را به آیه قبله در بر دارد و برای تفسیر جامع‌ترین آیه یاریگر است. مقاله «مطالعه تطبیقی بررسی برخی شبهات پیرامون تغییر قبله با تأکید بر شبهه اقتباس» از مریم سادات سجادی و سیدرضا مؤدب،

در مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال ۱۳۹۹ شماره ۱۲ نگاهی به جدید به سیر تاریخی تفسیر آیه قبله را در خود می‌پروراند.

۳- بحث نظری و تاریخی قبله

از آنجا که «قبله» نماد ملموس و خارجی برای تقرب به خدا و روی‌آوری به سوی حق است و در تاریخ و زندگی مسلمانان حضور زنده داشته است و در هر دوره و عصر تاریخی نیز در تفسیر خود این حضور را در عرصه علمی و اجتماعی و فرهنگی نشان داده است. طبرسی (متوفی ۵۴۸ق) در یکی از سرفصل‌های تاریخی تفسیر قرار داشته و درباره این آیه می‌گوید: «روی سخن در آیه شریفه، نخست پیامبر گرامی (ص) است و موضوع آن نوید دادن در مورد تغییر قبله و برآورده شدن خواسته آن حضرت است...» (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲/۲۸۴) به اعتقاد مؤلف، همه دیدگاه‌ها قابل جمع است. روشن است که مقصود این آیه شریفه، تمایل قلبی آن حضرت به قبله جدید است و این بدان معنا نیست که از بیت المقدس و قبله نخستین اسلام ناخشنود باشد. «روی به قبله جدید بیاور. «فول وجهک» چرا که «وجه» هر چیز خود به خود آن گفته می‌شود.» (همان، ۲/۲۸۴) یعنی بحث درباره توجه به قبله از نظر سمت و سوی دقیق علمی و جغرافیایی و از جهت معنا و معنویت گسترش می‌یابد.

در اطبیب‌البیان آمده: «روح‌الامین عالم به آیالت قرآن بود بنا بر اینکه قبل از نزول آیه، آن را می‌دانسته و منتظر مرتبه آخری نزول به وسیله جبرئیل امین بوده است. خشنودی و رضایت رسول اکرم (ص) به استقبال کعبه از جهت مزایایی است که برای کعبه می‌باشد زیرا کعبه اولین خانه است که برای عبادت مردم وضع شد و مطابق بیت‌المعمور که برای طواف ملائکه است... مسلمانان مأمور شدند که خود برگردند و شطر به معنی قسمتی از چیزی است و مراد از شطر مسجد الحرام، یک قسمت از خانه خداست.» (طیب، ۱۳۷۸: ۲/۲۳۶) در اینجا اشاره به وظیفه مردم است که باید جهت قبله را پیدا کنند و در هر بخش از جهان که باشند به یک شطر؛ یعنی بخشی از کعبه خواهند ایستاد و از اینجا علم و ریاضی در هر دوره از تاریخ اهمیت می‌یابد تا جهت و سمت قبله را روشن کند.

مرحله دیگر به تفسیر اثنی عشر تعلق دارد که می‌گوید: «تسمیه بدن به وجه، به جهت آن است که ظهور توجه بدن می‌باشد و ذکر مسجد، نه کعبه، به جهت آن است که حضرت در مدینه بود و بعید را کافی است مراعات جهت کعبه، چنانکه از ابن عباس نقل است که خانه کعبه تمامش قبله باشد و قبله خانه درب آن است و درب قبله اهل مسجد و مسجد قبله اهل حرم و حرم قبله تمام اهل زمین است.» (حسینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۱۱) همچنین گفته‌اند: «آنان که آشنا به کتب سماوی هستند می‌دانند که عادت الله جاری شده است بر آن که هر شریعتی را مخصوص به قبله فرماید.» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱/۱۸۸) چنان که آمده: «اهل کتاب و یهود با آن که حقانیت این تغییر را می‌دانستند و قبل در

کتاب‌هایشان خوانده بودند که پیامبر اسلام به سوی دو قبله نماز می‌گزارد اما این حقیقت را کتمان نموده و یا با القای شبهات و سؤالات، نقش تخریبی ایفا می‌کردند.» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱/۲۲۳) این دیدگاه‌ها جنبه‌های دیگری از تفسیر آیه قبله را به تدریج روشن می‌کند.

تکرار در بیان قبله نیز بر اهمیت موضوع دلالت دارد: «اهمیت قبله سبب شده تا به گونه‌ای نادر در قرآن کریم فرمان خداوند در سه آیه، پنج بار تکرار شود: دو بار در آیه ۱۴۴ سوره بقره و یک بار در آیه ۱۴۹ سوره بقره و دو بار نیز در آیه ۱۵۰ سوره بقره تکرار شود که البته هر کدام تفاوت‌های جزئی با یکدیگر دارند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۷/۴۷۸) البته همین تکرار از جهتی بیان‌کننده وجوه مهمی از فلسفه تغییر قبله است که رهیافت به سوی قبله را از وجوهی مشخص می‌کند.

۱-۳- آیه قبله

خداوند در این آیه فرمود: «قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». کلمه شطر را که به معنای بعض باشد -منظور بخشی از مسجدالحرام که خانه کعبه باشد- دانسته‌اند: «در آیه شریفه اول حکم را مختص به رسول خدا (ص) کرده: (پس روی خود به جانب بعضی از مسجدالحرام کن)، و سپس حکم را عمومیت داده؛ به آن جانب و به عموم مؤمنین خطاب می‌کند: که (هر جا بودید روی خود بدان سو کنید) و این خود مؤید این احتمال است که آیه نامبرده وقتی نازل شد که رسول خدا (ص) با مسلمانان مشغول نماز بوده و معلوم است که در چنین حالی، اول باید به پیشنماز بگویند: روی خود برگردان و بعداً به عموم بگویند: شما هم روی خود برگردانید (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۴۸۸/۱).

احتمال دیگر که بررسی تاریخی آیات قرآنی باشد این است که خداوند به همه مسلمانان در شرق و غرب جهان و بلکه در قرون و اعصار آینده این دستور را داده است تا به سوی کعبه نماز بخوانند و در این پژوهش بر این نکته تکیه شده است که چگونه این فرمان الهی در هر عصر اندیشمندانی را وا داشته که از علوم ریاضی و هیأت استفاده کنند و جهت و سوی قبله را محاسبه و پیدا کنند و همین آیه حرکتی در علم هیأت به وجود آورده است و چنین دانش‌هایی را از نوع دینی و در جهت فرمان الهی قرار داده است که نوعی عبادت و خدمت به دین محسوب شوند.

تفسیر این آیات در هر عصر متناسب با پیشرفت علمی چون نجوم به پیش رفته است. علامه محمد جواد مغنیه از صاحب‌نظران و مفسران معاصر عقیده دارد که از اینجا باید آغاز نمود اگر در قرآن آمده که: «مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر جا که رو کنید همان جا رو به خداست». (بقره / ۱۱۵) دیگر چه لزومی به جهتی خاص برای نماز است؟ در پاسخ دو دلیل می‌آورد: «اولاً خدای سبحان فرمود: «پس روی به جانب مسجدالحرام کن و هر جا که باشید روی بدان جانب

کنید...» (بقره / ۱۴۴) این آیه، تفسیر و بیانی است برای آیه ۱۱۵، بدین معنا که مراد از آیه ۱۱۵ آن است که شخصی که نماز مستحبی را در حال راه رفتن و یا سواری می‌خواند و نیز شخصی که متحیر است و قبله را نمی‌داند به هر جهتی که رو کند جایز است. اما مراد از آیه ۱۴۴، نماز واجب است که شخص نمازگزار باید رو به کعبه بایستد. این مطلب در تفسیر آیه ۱۱۵ به تفصیل بیان گردید.

ثانیاً صحت نماز، بستگی به آن دارد که خدا بدان دستور داده باشد. بنابراین، باید دید آیا خدا به نمازی دستور داده است که به هر سو می‌خواهیم آن را به جا آوریم و یا به نمازی که آن را به سوی جهت خاصی بخوانیم؟ اگر مراد، اولی باشد به هر سو نماز بخوانیم درست است و اگر مراد دومی باشد تنها نمازی درست است که به سوی همان جهت مورد نظر به جای آورده شود، خواه این جهت کعبه باشد یا بیت المقدس، و یا جهت دیگر؛ به بیانی دیگر امثال امر، چیزی است و وجود خدا در هر مکان، چیزی دیگر؛ زیرا به تعبیر فقها، عبادت از امور توفیقی است؛ یعنی به دستور خدا که به وسیله پیامبر ابلاغ شود بستگی دارد. در امور عبادی، گمان و احتمال و یا چیزی دیگر جایی ندارد بلکه باید نسبت به آن، نصّ صریح و صحیح رسیده باشد. خدا در ابتدا به مسلمانان دستور داد که به سوی بیت المقدس نماز بخوانند. از این رو، اگر به سوی کعبه نماز می‌خواندند نمازشان باطل بود، آنگاه دستور داد که به سوی کعبه نماز گزارند

این دیدگاه روی آوری به قبله را امری خارج از استدلال عقلی و در محدوده تعبد و اجرای فرمان خدا بدون هیچ بهره برادری عقلی و اجازه کاوش مطرح کرده‌اند. دیدگاه فقیهانه به همین ترتیب تکیه اصلی خود را به بر ظاهر آیه قرار داده و به اطاعت از نصّ اکتفا نموده‌اند در حالی که در دیدگاه‌های دیگر تحقیق و پژوهش و کاوش‌های عقلی نیز اجازه حضور و طرح پیدا می‌کنند. در تفسیر این آیات برخی راه میانه را برگزیده‌اند و بین عقل و شرع جمع کرده‌اند و تاریخ تفسیر ماجرای همین نظریه‌ها رو به پیشرفت است.

یکی از قرآن پژوهان عصر در ایران علامه شعرانی است که گام‌هایی نو در تفسیر آیات برداشته است و در تحقیقی با سه تفسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین وارد گفتگو شده و دقایق را دریافته است که در سیر تاریخی تفسیر آیه قبله نیز راهگشاست. در پاسخ به این پرسش که اگر باید به عین خانه کعبه روی نمود و این امر واجب است، چرا خداوند نفرموده: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْكُعْبَةِ» چرا گفته: «شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»؟ که منهج الصادقین (۱۳۵۱: ۳۴۴/۱) را در نظر دارند و در پاسخ گفته شده است که: «پیامبر (ص) در مدینه بود که این آیه نازل شده و شکی نیست که فرض بعید، جهت آن است نه عین؛ به جهت لزوم حرج؛ همچنین اگر توجه به مسجد یا جهت آن به جهت عمل به ظاهر آیه واجب بود بایستی که بر حاضر مشاهد نیز واجب باشد و لازم باطل است پس

ملزوم نیز باطل باشد و بیان ملازمه ظاهر است. سپس علامه شعرانی می‌گوید: اگر کسی بیرون مسجدالحرام و پشت دیوار آن ایستاده باشد نزدیک به آن و طوری بایستد که مواجهه کعبه نباشد اما مواجهه نقاط دیگر مسجد باشد بالاجماع نمازش باطل است و بر حسب ظاهر آیه صحیح است و از اینجا معلوم می‌شود که اجماع بر ظاهر قرآن مقدم است». (شعرانی، ۱۳۸۵: ۱۰۷/۱).

از دیدگاه علامه شعرانی، معیار خانه کعبه است و اگر کسی مقابل مسجدالحرام بایستد و رو به کعبه نباشد نماز او صحیح نیست اما برای کسی که با فاصله از مسجدالحرام است می‌توان معیار را آن قرار داد. اینکه در تفسیر روح‌الجنان آمده که اهل عراق به طرف رکن عراقی رو کنند و اهل یمن به رکن یمانی اهل شام به رکن شامی و اهل غرب رو به رکن غربی نمایند. (رازی، ۱۳۸۲: ۳۵۹/۱) به عقیده علامه شعرانی: «اگر واجب باشد اهل عراق روی به رکن عراقی کنند - و رکن عراقی در کعبه است - کافی نیست روی به حرم کنند بی آن‌که متوجه کعبه باشند. پس مناط قبله کعبه است نه حرم. و علمای متأخر گویند: قبله به نزدیک، عین کعبه است و برای دور، جهت آن است و جهت کعبه عبارت از آن است که چون عین کعبه را ندانند همه آن سمت‌ها که احتمال وجود کعبه در آن می‌رود جهت است و نماز روی به همه آن سمت‌ها صحیح است و آن حدّ که یقین داریم سمت کعبه نیست از جهت خارج است و حق آن است که واجب اصلی استقبال، عین کعبه است و جهت واجب اضطراری است؛ لذا باید هر چه می‌توان در جهت تضییق باشد». (شعرانی، ۱۳۸۵: ۱۰۸/۱).

از دیدگاه ایشان، قبله همه مردم جهان را باید خانه کعبه به شمار آورد. از طرفی برای نقاط دوردست نیز باید با وسایل علمی دقیق این جهت را تشخیص داد. امروزه که با پیشرفت‌های جدید مرکز مطالعات پژوهشی فلکی و نجومی، یک صفحه اینترنتی ایجاد کرده است که به صورت خطی به صورت دقیق مسیر قبله را در هر نقطه با ذکر زاویه و فاصله دقیق مشخص می‌کند. دستگاه‌های قبله نماز نیز با جی پی اس به کارایی‌های دقیقی رسیده‌اند.

یکی از معجزات آیات قرآنی، این سیر تاریخی و کارآمدهای متفاوت در دوران‌های مختلف است. آیه قبله در ابتدا برای جداسازی مسلمانان از یهودیان در قبله مشترک بود اما در هر عصر به نتایج مفیدتری گسترش داده شده و به عنوان نمونه در پیشرفت علم نجوم و هندسه یاری نمود. برخی یکی از فواید تغییر قبله را در اثبات قبله میانه برای مسلمانان دانسته‌اند چرا که امت وسط باید قبله وسط داشته باشند و گفته‌اند: «اما چرا قبله مسلمان، قبله میانه است؟ زیرا مسیحیان تقریباً به سمت مشرق می‌ایستاده‌اند به خاطر اینکه بیش‌تر ملل مسیحی در کشورهای غربی زندگی می‌کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد حضرت عیسی (ع) که در بیت‌المقدس بود ناچار بودند به سمت مشرق بایستند و

به این ترتیب جهت مشرق قبله آنان محسوب می‌شد ولی یهود که بیش‌تر در شامات و بابل و مانند آن به سر می‌بردند رو به سوی بیت‌المقدس که برای آنان در سمت غرب بود می‌ایستادند و به این ترتیب نقطه غرب قبله آنان بود اما کعبه که نسبت به مسلمانان آن روز (در مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت یک خط میانه محسوب می‌شد. در حقیقت تمام این مطلب را می‌توان از جمله و کذلک استفاده کرد. هر چند در تفسیر این جمله، مفسران احتمال‌های دیگر داده‌اند که قابل بحث و ایراد است. به هر حال، گویا قرآن می‌خواهد رابطه‌ای میان همه برنامه‌های اسلامی ذکر کند و آن اینکه نه تنها قبله مسلمانان یک قبله میانه است بلکه تمام برنامه‌هایشان این ویژگی را داراست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۵۵۲/۱). در ادامه آیه قبله نیز اشاره به یکی از اسرار تغییر قبله دارد: «ما آن قبله‌ای که قبلاً بر آن بودی (بیت‌المقدس) را تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر (ص) پیروی می‌کنند از آنان که به عقب (عصر جاهلیت) باز می‌گردند مشخص شود.» پس یکی از فلسفه‌های تغییر قبله، سنجش و آزمایش الهی برای جداسازی مؤمنان از کافران است. در دوره‌های تاریخی دیگر نیز فلسفه آیه قبله گسترش یافته است و مزایای دیگری را نیز به وجود آورده است که از تأثیر تاریخی آیات قرآنی در سرنوشت مسلمانان حکایت دارد.

۴- تفسیر یوسف القرباگی در تاریخ تفسیر قرآن کریم

در آیاتی از قرآن کریم به حرکت تدریجی و تاریخی این آیات اشاره شده است. «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ». (سوره حجر ۹/ نمونه آن می‌باشد که خداوند وعده حفظ و نگه داری از این آیات نازل را می‌دهد و بی تردید یک مصداق بارز آن تفسیر آیات بر اساس دانش و فرهنگ هر دوره از تاریخ است که آیه قبله به خوبی این سیر تاریخی و تفسیری را نشان می‌دهد. یعنی آیات این کتاب آسمانی در هر عصر به نوعی درک شده است و تفسیری مناسب با سطح دانش همان عصر پیدا کرده است و در همین هویت تاریخی می‌توان حفاظت از قرآن کریم را با دیدگاه تاریخی ملاحظه نمود. اهمیت پژوهشی که یوسف القرباگی درباره محاسبه ریاضی سمت قبله در ماوراءالنهر برای اجرای فرمان الهی در آیه مربوط انجام داده است از همین مصادیق است. خداوند در آیه قبله فرمود: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ» یعنی هر کجا هستید رو به روی مسجدالحرام کنید و از طرفی نماز را عمود دین خوانده است و این دو دستور دعوتی دائمی از مسلمانان است که هر کجای دنیا هستید مسیر و سمتی را که به سوی خانه خدا است پیدا کنند و از اینجا تاریخ علم نجوم با تاریخ تفسیر قرآن کریم به هم می‌پیوندند. در قرن دهم و یازدهم هجری که ماوراءالنهر یکی از بزرگ‌ترین مراکز اسلامی در جهان می‌شود و گزارش‌هایی از اختلاف قبله در آن وجود دارد تلاش‌هایی در جهت تفسیر این آیه و تعیین دقیق جهت قبله صورت می‌گیرد و این تلاش‌ها برگی

زیرین از تاریخ قرآن کریم است که به حیات خود در هرقرنی ادامه داده و مورد توجه مسلمانان بوده است. حدود هزاره اسلامی این آیه مورد توجه محققان است.

در همین دوره عبدالکریم منجم بلخی کتاب تسهیل التقاویم را در حدود سال ۹۹۱ ق نوشته است و پژوهش‌های دیگری که یک نسل پس از او در تحقیق یوسف القرباغی که در سال ۱۰۵۴ یا ۱۰۵۵ ق فوت کرده است ادامه می‌یابد. این تلاش در دیگر نقاط سرزمین‌های اسلامی نیز صورت گرفته است. البته از دیدگاه تاریخی باید به این نکته توجه داشت که با حاکمیت فرمانروایان مسلمان مانند حکومت صفویه در همین عصر توجه به قرآن کریم افزایش یافته است و چرا که پیشرفت فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی مهم‌ترین مطلب را در مرکز هر شهر مساجد به خود اختصاص می‌دادند و ساخت هر مسجد منوط به پیدا کردن سمت قبله بود و همین دلیل در تاریخ اسلام گزارش‌های متعددی از تلاش برای پیدا کردن سمت قبله به صورت دقیقی را در اختیار داریم و در معماری اسلامی این مطلب از اهمیت برخوردار بوده است. به همین دلیل با پیشرفت علم ریاضی و هندسه، ابتدا از ریاضی‌دان‌ها انتظار می‌رفته است که جهت قبله را محاسبه کنند و رساله مورد نظر این تحقیق از آن نمونه‌هاست.

حضور تاریخی آیات قرآنی در دوره یوسف القرباغی در توجه به آیه قبله این وظیفه را ایجاد می‌کند که به فرمان الهی در آیه بپردازد و سمت قبله را در ماوراءالنهر پیدا کند. این تلاش را از این نظر وظیفه خود می‌داند که به علم نجوم و هندسه در حدود عصر خود آشنایی داشته است. رساله او ثمره اجرای فرمان خدا در آیه قبله است. همین تلاش در هر قرن ادامه یافته است و تاریخ اسلام با تاریخ قرآن کریم همسو به پیش آمده است و بلکه می‌توان ادعا نمود که این قرآن کریم است که با آیات خود و تفسیر این آیات تاریخ اسلام را در بر گرفته است و آن گفته خداوند که فرمود قرآن را حفظ می‌کند با این معنی درک کرد که منظور این بوده که با حفظ قرآن، تاریخ و تمدن اسلامی را حفظ کرده و باید ادعا نمود که حیات این دین با قرآن کریم بوده است. بر این اساس تاریخ اسلام همان تاریخ تفسیر قرآن کریم و حضور این کتاب آسمانی در هر دوره است و هر کجا مردم به این آیات توجه کرده‌اند و از آن بهره‌مند شده‌اند به اصلاح و نجات خود نزدیک‌تر شده‌اند. تاریخ نزول آیات الهی اگر چه در مکه و مدینه انجام شده است اما در تاریخ اسلام در دل و جان و زندگی مسلمانان به شیوه‌های مختلفی متناسب با هر عصر زندگی کرده است و نه تنها در تفسیرهای رسمی مکتوب قرآن، بلکه در فرهنگ و عقاید مردم، تاریخ قرآن را می‌توان ملاحظه نمود و یکی از مصادیق

آن در هزار سال پس از نزول قرآن، دغدغه تعیین قبله در ماوراءالنهر و اجرای فرمان خدا در آیه قبله است.

در پژوهش‌های مربوط به تاریخ قرآن کریم، بحث از نزول ندیجی آیات قرآن کریم است و درباره حکمت این کار پرسش می‌شود و نخستین بار کفار این ایراد را گرفته‌اند که «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَأَنزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً». (سوره فرقان ۳۲). کفار گفتند: چرا قرآن یکباره نازل نشد؟ در پاسخ به این ایراد با نگاهی تاریخی می‌توان ادعا نمود که آیات قرآنی مانند همین آیه قبله همواره در حال نزول در قلب و فرهنگ مسلمانان است و دعوت‌های خداوند که برای هدایت انسان‌هاست به یک دوره یا نسل خاص محدود نمی‌شود و هر آیه تاریخی مفصل در زندگی مسلمانان دارد که در مطالعه آن می‌توان تاریخ اسلام را ملاحظه نمود و رمز حیات و تازگی قرآن کریم همین نزول تدریجی است اما نه فقط نزول در عصر پیامبر اکرم (ص) بلکه خطاب او به همه انسان‌ها در قرآن و اعصار که دعوتی جاودانه برای هدایت است. بر همین اساس می‌توان پیشنهاد داد که هر آیه قرآن کریم مانند همین آیه قبله را در هر دوره اگر مطالعه نمود و مصادیق آن را نشان داد تاریخ اصلی این کتاب آسمانی به دست می‌آید. یک برگ از تاریخ آیه قبله همین رساله تحقیق سمت قبله از یوسف القرباگی است.

۵- دیدگاه یوسف القرباگی

رساله‌ای به نام «تحقیق سمت قبله در بلاد ماوراءالنهر» از یوسف القرباگی (متولد ۱۰۵۴ یا ۱۰۵۵ ق.) در دست است که در ۴۲ صفحه و در چند نسخه خطی موجود است و دو محقق درباره آن به اظهار نظر پرداخته‌اند. سید عارف نوشاهی که خود یکی از نسخه‌های خطی را در اختیار داشته است، آن را تصحیح و در مقاله‌ای منتشر نموده‌اند و در دفتر دوم مقالات ایشان هم دیده می‌شود. یوسف القرباگی را از عالمان و بزرگان علم هیأت در بخارا نشان می‌دهد که چون رساله خود را به نام «امام‌قلی بهادرخان» که حاکم بخارا بوده، نوشته است. او را از بزرگان قرن دهم و یازدهم قمری دانسته‌اند که معاصر شاه عباس دوم صفوی (۱۰۴۷ - ۱۰۵۰ ق.) آن را نوشته است. یک نسخه خطی نیز از آن در مجموعه رسائل قاری هروی و نسفی بخارایی به خط عادی نستعلیق در کتابخانه عارف نوشاهی (اسلام آباد، شماره ۴/ ۳۰-۳) موجود است. نسخه دیگر نیز در آکادمی علوم ازبکستان (تاشکند، شماره 2 A 22/ III) به قلم ملا سعد الله بن قاضی القضاء داماد عنایت الله، که تاریخ ۱۲۷۴ ق را دارند. (فهرست نسخه‌های کامل، تاشکند، ۱۹۶۰: ۲۲۹/۵).

محقق دیگر ماشاالله علی اخیایی در مقاله «میزان اشتباه مجاز در تعیین جهت قبله» (آبان ۱۳۶۵: مجله دانشمندان) به رساله یوسف القرباگی اشاره دارد و محاسبات او را ارزیابی نموده است. از نظر

ایشان یوسف القرباغی در تحلیل روش‌های قبله‌یابی موفق بوده است و در بررسی آیه قبله و عقاید و آراء و اقوال فقهی مربوط به آن در کنار روش‌های نجومی خود نتایج قابل قبولی گرفته است. (ر.ک: علی احیایی، ۱۳۶۵: ۲۱) درباره زندگی و آثار یوسف القرباغی اطلاعاتی به دست نداده‌اند و از طریق رساله می‌توان دریافت که مخاطبی داشته که به تقاضای او این رساله را نوشته است و گویا در آن عصر در بین عالمان درباره تعیین سمت قبله در ماوراءالنهر اختلاف شدیدی وجود داشته است و در پاسخ به آن نیاز تلاش کرده است.

از مطالعه رساله او می‌توان به منابع مطالعاتی او دست یافت که از احیاء العلوم الدین غزالی تا تفسیر امام فخر رازی را در بر می‌گیرد و به زیچ گورگانی هم دسترسی داشته است. جالب اینجاست که به گفته‌هایی از امام زین العابدین (ع) و ابوسعید ابوالخیر و مولوی و حاضر نیز اشاره دارد و نشان می‌دهد که وسعت اطلاعات خوبی داشته است. رساله را چنین آغاز می‌کند: «حمد خدای را که گردانیده است کعبه را قبله صلات و صلات را قبله سعادت و سعادت را قبله وصول به اقصی الغایات و دیگر گردانیده است. از ابتدا آیه قبله را در نظر می‌گیرد و بر اساس آن به پیش می‌رود. با استناد به تفسیر آیه و روایت‌هایی درباره قبله می‌گوید: «استقبال قبله که روی آوردن به سوی قبله است از شرایط نماز است و شرط به جا نیاید نماز درست نمی‌شود (همان: ۵۱۱)

اگر در این رساله دقت شود یوسف القرباغی با استفاده از سه گونه منبع تفسیری، نجومی و عرفانی به تفسیر روزآمدی از آیه قبله پرداخته است و متناسب با ماوراءالنهر که در آن عصر شمال رود جیحون و بین دو رود سیحون و جیحون را در بر داشته و شامل بخارا، سمرقند، اشروسنه و ترمذ بوده است پرداخته، که در چند قرن از مراکز علم و تمدن و عرفان اسلامی در ایران بوده است و چندین حکومت ایرانی همین منطقه را به عنوان مرکز و پایتخت خود انتخاب کرده بودند و مهم‌ترین آن‌ها سامانیان است که به ایجاد رنسانس ایرانی انجامید و ایران مرکز علم، بویژه دانش ریاضی و پزشکی در آن عصر جهان شد.

تفسیر آیه قبله در این رساله از آنجا آغاز می‌گردد که قبله چه نقشی در دین و زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد؟ این روایت به بیان‌هایی شبیه به هم در مجموعه روایات همه مذاهب اسلامی آمده است و به این ترتیب بهترین مقدمه را برای تفسیر آیه قبله فراهم کرده است و سپس به سراغ نقش قبله در نماز می‌رود که از شرایط نماز و مقدمه و از واجبات نماز است که بدون آن نماز درست نمی‌شود و در مرحله سوم به سراغ سمت قبله می‌رود که در حقیقت این تعیین سمت قبله دستور صریح خداوند است که به طرف قبله رو کنید و مقدمه اجرای این فرمان پیدا کردن سمت قبله است

و به این ترتیب تلاش در جهت پیدا کردن این مسیر اجرای فرمان الهی و از عبادت به شمار می‌آید و به علم هیأت و ریاضی برای کشف قبله نوعی قداست و اهمیت دینی می‌دهد که انجام واجب الهی به آن بستگی دارد و به ناچار در علم فقه نیز باید تعیین سمت قبله را از واجبات کفایی دین به شمار آورد چنانکه آورده‌اند. در مرحله بعد از تفسیر آیه قبله به سراغ پیشینیان می‌رود و چندین سند تاریخی از گذشتگان درباره اهمیت تعیین جهت قبله و چگونگی آن می‌آورد که از نظر او جهت‌یابی پیشینان دقیق نبوده است و اغلب بدون محاسبه علمی و مراجعه به علم هیأت و جغرافی به گفته‌های بزرگان پیش از خود اکتفا کرده‌اند. در چند صفحه به نقد و بررسی دیدگاه‌های آن‌ها به طور انتقادی می‌پردازد در این تحلیل و بررسی نکته جالبی دارد که جنبه عرفانی دارد و آن اینکه اگر انسان تزکیه کند و از درون رو به سوی حق کند خداوند او را هدایت می‌کند و قبله هم به او نشان داده می‌شود و جالب اینکه به دو بیت از حافظ استناد می‌کند:

طهارت ار نه به خونِ جگر کند عاشق
به قول مفتی عشقش درست نیست نماز

فیض روح القدس از باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند، آنچه مسیحا می‌کرد

(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۱۴، ۳۰۷)

در سیر تاریخی تفسیر آیه قبله در دوران معاصر در کتاب سر الصلوة، معراج السالکین و صلوة العارفین، فصل دهم: در سر استقبال به کعبه آمده است: «کعبه ام القرى است و مرکز بسط ارض است: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَىٰ هَاهَا» (نازعات / ۳۰). و یدالله و بیحال الله و بحیال بیت العمور است که سر قلب و در سماء رابعه است. پس کعبه ام القرى سر بیت العمور است که سر قلب است و سر سر آن، یدالله، و سر مستسر آن اسم الله الاعظم است..... و در نماز اولیاء توجه به قبله ظهور سر احدیت است در ملک بدن، چه که به سر وجودی وجهه احدیه غیبیه را شهود کنند و بدان توجه نمایند... و بدان که تحدید به وجه خاص و به وجهه معینه، برای اظهار سر وحدت است و آن برای عارف در هر دوره به عدد حضرات خمس لازم است و از آن که گذشت تحدید نقص است: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ ۚ» (بقره / ۱۱۵). پس عارف بالله حق را در جمیع امکانه و احیاز مشاهده، و همه را کعبه آمال و وجهه جمال محبوب بیند و از تقیید به مرآت دین مرآت خارج». (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۷۶).

مطلب فوق نشانه تفسیر عرفانی از آیه قبله است که در قرون بعدی رو به گسترش و کمال دارد که نمونه آن ملاحظه شد. در تفسیر یوسف القرباغانی گام‌هایی در جهت تفسیر عرفانی برداشته می‌شود

و در چند صفحه به این مضمون توجه دارد و از منابعی چون گلشن راز شبستری و انیس الطالبین و عدة السالکین از صلاح بخاری و مثنوی مولوی هم یاری می‌گیرد. شاهد او از تفسیر کبیر امام فخر است که شناخت سمت قبله را واجب عینی دانسته است نه واجب کفایی؛ یعنی گروهی شناخت دلایل هندسه را برای جهت‌یابی قبله واجب دانسته‌اند. برخی از فقها نیز آموزش هندسه را در این راه واجب ندانسته‌اند. در تفسیر آیه قبله جنبه عرفانی آن را مقدم آورده است و با نقل قول مستند نموده است و سپس به جنبه علمی آن پرداخته و در ارزیابی علمی به این شعر از امام زین‌العابدین (ع) استناد می‌کند:

إِنِّي لَأَكْمُ مِنْ عِلْمِي جَوَاهِرُهُ كِي لَا يَرِي الْحَقَّ ذَوْجَهُلَ فَيَفْتِنَهَا

یارب جوهر علم لو أبوح به لقیل لی أنت ممن یبعد الوثنا

و لا ستحل رجال مسلمونی دمی یرون أقبح ما یأتونه حسنا

(همان: ۵۱۵)

ترجمه: به تحقیق کتمان می‌کنم و می‌پوشم از علم خود، جواهرش را تا نبیند حق را صاحب جهل، پس مرا فتنه شود ای مردمان، بسا جوهر علمی اگر به او اباحه کنم یعنی اگر ظاهر سازم، هر آینه گویندم که تو بت‌پرستی و اگر حلال می‌شمارند مسلمانان خون مرا و اقبح کار خود را بدترین افعال خود و حُسن و خوب می‌دانند. از مطالعه این رساله می‌توان دریافت که سیر تاریخی تفسیر آیه قبله در سه جهت رو به گسترش داشته است، یکی از جنبه عرفانی که در تفسیرهای عرفانی به تفصیل دیده می‌شود. دوم در جنبه نجومی و علمی که در هر دوره گام‌ها دقیق‌تری در جهت تعیین قبله برداشته می‌شود و سوم از جنبه فقهی که چگونگی احکام شرعی مربوط به قبله تشریح می‌گردد. تفسیر یوسف القرباگی معطوف به دبدگاه دوم است اگر چه در مقدمه به دو جنبه دیگر هم نظری انداخته است اما در حدود کارشناسی و تحقیق نیست به چند سند تاریخی در آن‌ها اکتفا نموده است و خود به اظهار نظر نپرداخته است، اما در جنبه دوم؛ یعنی نجومی و علمی متناسب با عصر خود و با بهره‌گیری از هندسه در مراتبی که در اختیار داشته است به اظهار نظر نپرداخته و محاسبه‌های خود را ارائه داده است. اگر چه این محاسبات در مقایسه با پیشرفت علم در عصر حاضر چندان پیشرفته نیست اما سیر حرکت تاریخی تفسیر آیه را خوبی ترسیم می‌کند و زندگی حضور آیات الهی را هر

دوره‌ای به نمایش می‌گذارد. در جنبه عرفانی هم حکایتی از مقامات خواجه نقشبند دارد: «درویشی که روزی حضرت خواجه ما (نقشبند) را در نماز دیده است نقل می‌کند: حضرت خواجه در قصر عارفان در نماز شام و خفتن مرا امامت فرمودند و در زمان استقبال قبله فرمودند که به طرف چپ محراب متوجه می‌باید بود و درین معنی مبالغت نمودند بعد از نماز بر خاطر من گذشت که من همه روز به کار زراعت مشغول بوده‌ام، مرا این سخنان به چه کار آید؟ چون به خواب رفتم، حضرت خواجه، کعبه را معاینه به من نمودند. در حوزه علم هیأت و ریاضی نیز تفسیر آیه قبل را از این نکته قرآنی آغاز می‌کند که: «و بالنجم هم یهتدون» متوسل می‌شود که علم نجوم را به راه اوقات نماز و سمت قبله لازم شمرده‌اند و یکی از دلایل پیشرفت علم نجوم در جهان اسلام و پیدایش دانشمندان بزرگ در علوم ریاضی همین توصیه‌های خداوند در قرآن کریم مانند آیه قبله بوده است که با انگیزه‌ای معنوی و دینی آموزش علوم، بویژه دانش‌هایی را که با شریعت ارتباط داشته تشویق نموده‌اند و برای بهره‌برداری بیشتر از آموزه‌های دینی بر علم آموزی تکیه داشته‌اند. در این رساله نیز بخش مهمی را به نقد بررسی عقاید گذشتگان درباره قبله اختصاص داده است و با آزاد اندیشی به گفته‌هایی که دارای دلیل علمی و منطبق نبوده‌اند ایراد گرفته و نپذیرفته است و به نقاط قوت و ضعف گفته‌ها توجه کافی می‌نماید.

در انتقاد از روش محاسباتی یوسف القرباگی بر اساس علم جدید گفته‌اند: «نویسنده رساله با این فرض که اختلاف طول جغرافیایی مکه معظمه و بخارا، برابر ۲۰ درجه است، اختلاف ظهر حقیقی (وقت قرار گرفتن خورشید بر نصف النهار) دو شهر را یک ساعت و ۲۰ دقیقه می‌دانسته است در حالی که اختلاف ظهر حقیقی آنها برابر حدود یک ساعت و ۲۸ دقیقه است و همین تفاوت نیز موجب بروز خطای ۹ درجه‌ای مذکور در جهت قبله بخارا گردیده است نکته قابل تعمق دیگر مربوط به قول، منقول از حضرت خواجه نقشبند (قدس سره) است که فرموده بود: قبله بخارا، راست ناودان کعبه خواهد بود. ظاهراً با توجه به این که ناودان کعبه مکرمه در طلع شمالی غربی آن قرار دارد و شهر بخارا نیز در شمال شرقی مکه معظمه واقع است صدق قبله مدینه منور نقل شده است: محرابی علی المیزاب: یعنی محراب من بر ناودان است.) اما به طرف شمال شرقی و وزاویه طلع شمال غربی خانه خدا نسبت به همین نصف النهار حدود ۶۱ درجه است، لذا می‌توان پذیرفت که ناظر مستقر در بخارا، در خطه قبله آن، ناودان موجود بر ضلع شمال غربی کعبه معظمه را در راستای دید خود دارد.» (علی احیایی، ۱۳۶۴: ۸۵).

در نهایت این تلاش‌های منجمان در هر قرن دقیق‌تر شده است و با استفاده از اختراعات و دستاوردهای جدید علمی همواره کوشش داشته‌اند که جهت را بهتر و صحیح‌تر محاسبه کنند و این

موشکافی‌ها را باید در جهت تفسیر آیه قبله و شناخت کامل‌تری از پیام ارزیابی نموده عشق و ایمان به خدا و احکام او این دانشمندان را در هر قرن و داشته تا از همه عصر خود در جهت اهداف معنوی و دینی استفاده نمایند و گویی خود را مخاطب پیام خداوند در آیه قبله دانسته‌اند که وظیفه دارند سمت و سوی دقیق قبله را پیدا کنند و از صواب اجرای اوامر حق محروم نمانند و همین انگیزه تلاش آن‌ها را ازشمند می‌سازد و خط سیر تفسیر تاریخی آیه قبله را نشان می‌دهد.

۶- نتیجه

از این تحقیق چنین نتیجه گیری می‌گردد که آیه در قرآن کریم تاریخ مفصلی از تفسیر را در قرون متمادی پشت سر نهاده است و چون موجودی زنده به حیات خود ادامه داده و سرچمه الهام و آموزش اندیشه‌های متفاوتی شده است و در این سیر تاریخی در قرون دهم و یازدهم قمری نیز اندیشمند و منجمی به نام یوسف القرباغی رساله‌ای در جهت یابی قبله ماوراءالنهر نوشته که بر پایه پیشرفت علمی عصر خود و مطالعاتی که درحوزه نجوم داشته است و تلاش نموده تا گامی در این مسیر رو به جلو بردارد. همچنین دریافت می‌شود که آیه قبله چقدر به ترویج علوم نجوم و هندسه یاری رسانده است و بسیاری را برای تحقیق در این رشته‌ها برانگیخته است. همچنین یکی از جنبه‌های تفسیر این آیه ابعاد عرفانی آن است که در همین رساله نیز به آن پرداخته می‌شود و نکاتی دقیق و معنوی از آن استنباط می‌گردد، چنانکه در علم شریعت و احکام و فقه نیز باعث پژوهش‌هایی که زمینه قبله‌یابی و تعیین اوقات نماز و روزه و احکام مربوط به آنها صورت گرفته است.

در حقیقت آیات قرآن کریم در زندگی مسلمانان در هر عصر حضوری تعیین کننده داشته است و آنان را به مطالعه و تحقیق و تفکر فراخوانده است و حتی در زمینه‌های علمی خاص مانند هندسه و نجوم نیز تأثیر داشته که آیه قبله و پژوهش‌های مسلمانان در هر دوره مانند همین رساله نمونه‌های موفق از آن به شما می‌آید. این مطلب اثبات می‌کند که اسلام و قرآن کریم با هر بهانه‌ای به علم و دانش اهمیت داده است و تا آنجا که مانند همین آیه قبله بسیاری را بر آن داشته که تحصیل در علم نجوم را واجب اعلام کنند. با گسترش دانش انسان و تسخیر کرات آسمانی دیگر نیز این آیه قبله در

قالب‌های جدید به پژوهش‌های دیگری تشویق می‌کند. با گسترش دانش انسان و تسخیر کرات آسمانی دیگر نیز این آیه قبله در قالب‌های جدید به پژوهش‌های دیگری تشویق می‌کند.

منابع

۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۷ ش.)، *سِرِّ الصَّلَوة (معراج السالکین و صلوة العارفین)*، تهران: نشر عروج.
۲. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ ق.)، *تفسیر روان جاوید*، تهران: انتشارات برهان.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۴. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۶۲ ش.)، *لسان الغیب*، تصحیح پژمان بختیاری، تهران: امیرکبیر.
۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، سید حسین (۱۳۶۳ ش.)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: نشر میقات.
۶. رازی، ابوالفتح (۱۳۸۲ ش.)، *روض الجنان و روح اجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۵ ش.)، *پژوهش‌های علوم قرآنی علامه شعرانی*، تحقیق سید محمد رضا غیائی کرمانی، قم: بوستان کتاب.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق.)، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفه.
۹. طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
۱۰. علی احیایی، ماشاء الله (۱۳۶۴ ش.)، *کاربرد علوم در قبله یابی - نگرشی نو در تعیین قبله*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸ ش.)، *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. علی احیایی، ماشاء الله (۱۳۶۵ ش.)، «میزان اشتباه مجاز در تعیین جهت قبله»، *مجله دانشمند*، آبان ۶۵.
۱۳. *فهرست نسخه‌های خطی آکادمی علوم ازبکستان*، تشکند، ۱۹۶۰م. جلد ۵، ش مسلسل ۳۸۵۱.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق.)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۶. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۵۱ ش.)، *تفسیر منهج الصادقین*، تهران؛ کتبفروشی اسلامی.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴ ش.)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۳ ش.)، *تفسیر الکاشف*، ترجمه موسی دانش، قم: موسسه بوستان کتاب.